

تفاوت‌های جهانی

بنای بازیگران برجسته سینمای جهان اساسا روی تنوع و تفاوت نقش آفرینی‌هاست و می‌توان نمونه‌های مهمی را در این زمینه برشمرد. با این حال اینجا صرفا به عنوان مشنت نمونه خروار به دو سه مورد تفاوت بارز و غافلگیری اساسی در بازیگری برخی ستاره‌های سینما اشاره می‌شود.



مارلِـون براندو با این‌که نقش‌های متنوع و مختلفی در کارنامه داشت و تماشاگران همواره منتظر بازی خاص و تازه‌ای از او در فیلم‌ها بودند، با این حال با یک شخصیت کلی اشخاص یابی و سرکش به یاد آورده می‌شد. برای همین بازی در نقشی کند و آرام در «پدرخوانده» که خصوصیاتی یکسر متفاوت با نقش‌های دیگر براندو داشت، برگ برنده تازه‌ای از این بازیگر بزرگ بود.



روان اتکینسون هم نقشی در کارنامه دارد که مصداق بارز تفاوت است؛ او که سال‌ها با بازی در نقش مسستر بین، با انواع و اقسام شیرین‌کاری‌ها ما را خندانده بود، در «شب مگره در تقاطع‌ها» و در نقش کارآگاه فرانسوی، هیچ نشانی از بازی در نقش‌های کمدی‌اش ندارد و با تغییراتی اساسی در بازیگری‌اش روبه‌رو هستیم.

همفری بوگارت معمولا در نقش‌هایی شیک و اتوکشیده بازی می‌کرد، البته حتی بازی در همین نقش‌های ظاهرا مشابه با جزئیات و تفاوت‌هایی، جذاب و خیره‌کننده می‌شد. اما بوگارت در اوج بازی در چنین نقش‌هایی هم، از بازی در نقش‌های سراسر متفاوت غافل نبود. مهم‌ترین نمونه اش بازی او در نقش یک جوینده طماع طلا به نام فردسی دابز در گنج‌های سیرامادره است که بوگارت چرک و کثیف در آن، شباهتی با نقش‌های آراسته و عاشق پیشه اش همچون ریک کارابلانکا ندارد.



تجلیل از ۳ سینماگر در جشن منتقدان

دبیر سیزدهمین جشن بزرگ منتقدان و نویسندگان سینمایی از برگزاری این جشن در ۱۳ دی و تجلیل از سه سینماگر خبر داد. به گزارش هنر آنلاین، جعفر گودرزی در نشست خبری سیزدهمین جشن منتقدان درباره جشن انجمن منتقدان و تأثیر آن بر سینما اظهار کرد: سینما



علی رستگار

سینما

عمومی آثار سینمایی و تلویزیونی و حتی تئاتری، به جهت مسؤولیت و تعریف وظایف، گاهی برای معطوف شدن توجهات مخاطبان چنین خبرسانی‌های پررنگ و لعابی انجام می‌دهند.

آن ضرب‌المثل «مشک آن است که خود بپوید، نه آن که عطار بگوید» اینجا هم به کار می‌آید و بهتر است «تفاوت» واقعی نقش آفرینی‌ها را در مواجهه با فیلم‌ها و بازی‌ها ببینیم، نه این‌که پیشتر با اطلاق چنین تعریفی، توقعی ذهنی در مخاطب ایجاد کنیم که آن هم ممکن است هنگام تماشای اثر و بازی بازیگر، برآورده نشود. با این حال این خبر مرتبط با آتابای و خبرهایی مشابه در چنین روزهای منتهی به جشنواره فیلم فجر، بهانه‌ای شد تا سراغ تفاوت نقش آفرینی‌ها در بازیگری برویم و اصلا ببینیم می‌توانیم تفاوتی برای بازیگری و بازی‌های بازیگران قائل باشیم. اگر این‌طور باشد، تفاوت چه مؤلفه‌ها و معیارها و مزه‌هایی دارد. بعد هم به عنوان نمونه، نگاهی داریم به برخی بازی‌ها که از آنها به عنوان بازی‌های متفاوت بازیگران یاد می‌شود.

تعریف تفاوت

احتمالا بازیگری نیست که تمایل به بازی در نقش‌های تکراری داشته باشد و عمدتا در مصاحبه‌ها و اظهارنظرهای مختلف، درباره بازی در نقش‌های متفاوت حرف می‌زنند. حتی تیپیکال‌ترین و تکراری‌ترین نقش‌ها هم به هر حال، تفاوت‌هایی در کلیت یا جزئیات قصه‌ها دارند و گاه یک شخصیت خاص و تکراری مثل ولگرد چاپلین را با همان شکل و شمایل و گرم و لباس هر بار در قالب نقش و قصه جدیدی می‌دیدیم. به‌جز این، بازیگران معمولا در نقش‌های مختلف کارنامه‌شان، در قالب شخصیت‌ها یا تیپ‌هایی فرومی‌روند که از نظر اسم، سن، شغل، فضای زندگی و اجتماعی و ... تفاوت‌هایی کم و بیش با نقش‌های قبلی‌شان دارد. بنابراین بازیگران تقریبا در هر فیلم و سریالی، به‌ظاهر ایفاگر نقشی جدید و متفاوت هستند، اما ممکن است به دلیل سطح و کیفیت و توانایی‌های مختلف، امکان ارائه‌ای چندان متفاوت نداشته باشند و باوجود تفاوت برخی مختصات نقش، خروجی نهایی همه نقش‌های آنها یکسان و یک شکل باشد.

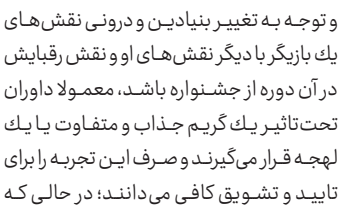
بنابراین بازیگران زیادی هستند که معمولا در نقش‌هایی مشابه ایفای نقش می‌کنند و ترکیب کیفیت بازی‌شان و سطح فیلمنامه و بضاعت نقش، نشانی از تفاوت چشمگیر و محسوس ندارد. بازی این بازیگران، چندان



در حال حاضر نیازمند قدرت و مراقبت است و در غیر این صورت نمی‌تواند رونق داشته باشد. با حضور منتقدان و ارزیابی درست آنها از یک سال تلاش سینماگران این رونق افزایش یافته و می‌تواند در راستای رونق و ارتقای سینما نیز عملکرد درستی داشته باشد.

تفاوت را احساس کنید

در این گزارش سراغ تفاوت‌ترین بازی‌های برخی بازیگران در سینمای ایران و جهان رفته‌ایم



و توجه به تغییر بنیادی و درونی نقش‌های یک بازیگر با دیگر نقش‌های او و نقش رقبایش در آن دوره از جشنواره باشد، معمولا داوران تحت‌تأثیر یک گرم جذاب و متفاوت یا یک لهجه قرار می‌گیرند و صرف این تجربه را برای تأیید و تشویق کافی می‌دانند؛ در حالی‌که برای تأیید کامل، نیاز به فاکتورها و مؤلفه‌های تخصصی بیشتر و مهم‌تری است. در جشنواره فیلم فجر نمونه‌های این چنینی کم نداشتیم که داوران تفاوت را در ظاهر نقش دیده‌اند یا به‌صرف اولین بار بودن تجربه برای بازیگر تأیید و تشویق خود را نثار برخی بازیگران کرده‌اند.

جواد عزتی



امیدواریم جواد عزتی واقعا نقشی متفاوت را به بهترین شکل در آتابای بازی کرده باشد، اما به نظر می‌رسد عزتی پیشتر این تفاوت را با نقش‌های خوب دیگری نشان داده بود. او که مدت‌ها صرفا در نقش‌های کارتزونی و کمدی بازی می‌کرد و خوب هم این کار را انجام می‌داد، شاید اولین بار در سینما با شیرا۴۳ نقشی تماما متفاوت تا آن روز را بازی کرد؛ جوانی که وظیفه تفحص پیکر شهدا را برعهده دارد. عزتی در بازیگری صرف بزنیم. بازیگران بزرگ معمولا این تفاوت در نقش آفرینی را به یک رویه در کارنامه بازیگری‌شان تبدیل می‌کنند. به طوری که تقریبا هر بار و با هر فیلم و نقش تازه، انتظار غافلگیری را از آنها داریم. درواقع از بس که این گروه از بازیگران، تفاوت را در هر نقش تازه جدی می‌گیرند و در عمل آن را انجام می‌دهند، که دیگر حرف از بازی متفاوت آنها نیز تغییر کاربری می‌دهد و شاید دیگر چندان کارایی نداشته باشد.

الناز شاکردوست



او تا مدت‌ها در نقش دختران عاشق پیشه جوان در فیلم‌ها بازی می‌کرد و بیشترین فعالیتش در سینمای بدنه و تجاری بود، اما بازی او در نقش و فیلم متفاوت خفه‌گی، فاز بازیگری شاکردوست را تغییر داد. گرم این بازیگر در این فیلم سیاه و سفید هم نقش مهمی در این تغییر شخصیت داشت. شاکردوست تا حدی این تفاوت فضا را در شبی

که ماه کامل شد هم تجربه کرد که او را به سیمرخ بلورین بهترین بازیگر زن هم رساند، هرچند برخی معتقد بودند همذات‌پنداری مخاطبان بیشتر با مابه‌ازای واقعی نقش بود.

رضا عطاران



تقریبا همیشه تغییر مسیر کم‌دین‌ها جذاب و غافلگیرکننده است و حتی می‌تواند همراه با ذوق‌زدگی مضاعفی هم باشد. نمونه‌اش بازی عطاران در نقش یک زندانی محکوم به اعدام در دهلیز عطاران اگرچه بازی کنترل شده و مناسبی در این نقش داشت، اما به نظر شاید این اولین حضور مهم در نقشی جدی بیش از حد با غافلگیری همراه بود که حتی باعث شد داوران جشنواره فیلم فجر نام او را به عنوان نامزد دریافت سیمرخ اعلام کنند.

مهران رجبی



حتی این همه حضور تکراری و تقریبا کلیشه‌ای رجبی در فیلم و سریال‌های مختلف هم باعث نمی‌شود نسبت به این نمک مکرر بی‌اعتنا شویم و او را دوست نداشته باشیم. رجبی به قدری ژالیستی و باورپذیر بازی می‌کند که گاهی مرز بین خود واقعی‌اش و نقش از بین می‌رود. احتمالا متفاوت‌ترین بازی‌های کارنامه رجبی در آثار کانونش عیاری باشد. نخست در سریال روزگار قریب که در نقش پدر دکتر قریب، بازی واقعا متفاوتی ارائه می‌دهد و با نقش‌های کمدی‌اش در سینمای بدنه و تجاری به هیچ وجه قابل قیاس نیست و بعد هم در خانه پدری که نقشی مخوف را بازی می‌کند که کمتر تماشاگری توقع آن را داشت.

ناصر هاشمی



عادت داشتیم‌هاشمی را در نقش مردانی مهربان ببینیم؛ چه در نقش ناصر، پسر کوچک اسدا... خان در «پدرسالار» و چه در «سمندون».

دبیر این دوره از جشن انجمن منتقدان به برگزاری بزرگداشت‌های امسال اشاره کرد و گفت: همانند دوره‌های پیشین سه بزرگداشت در جشن خواهیم داشت که امسال این بزرگداشت‌ها اختصاص یافته به اکبر عبدی و علیرضا زرین‌دست و در بین اعضا نیز بزرگداشتی برای عباس یاری منتقد سینما خواهیم داشت.

بنابراین اذعان بفرمایید که تغییر شخصیت او در برادرم خسرو باعث غافلگیری می‌شود و دلسوزی برادرانه‌اش، وجهی رعب‌آور پیدا می‌کند. این یکی از نمونه‌های تفاوت درست و تغییر درونی نقش نسبت به نقش‌های قبلی بازیگر است و هاشمی بدون گرم و تغییرشکل مهمی، موفق به ارائه یک بازی کاملا متفاوت در کارنامه بازیگری‌اش می‌شود.

علیرضا ختمسه



این بازیگر را با انبوهی نقش موفق و خاطره‌انگیز کمدی به یاد می‌آوریم، اما نکته جالب و عجیب و قابل تأمل اینجااست که او برای نقش‌های جدی‌اش، شایسته دریافت سیمرخ بلورین جشنواره فیلم فجر دانسته شد. نخست در دوره دوازدهم برای بازی در چشم شیطان که ختمسه نشانی از آن کم‌دین خندان نداشت و مدام در حال ماجراجویی جدی و انجام حرکات یزن بهادری بود و بار دیگر هم در دوره بیستم و هفتم جشنواره که برای بازی در نقش سرآشپز سرخورده و یک‌دست فیلم ۲۰ برنده سیمرخ بلورین نقش مکمل مرد شد. هر دو نقش البته به دلیل تغییرات بارز نسبت به شمایل کمدی ختمسه، واقعا جزو بازی‌های متفاوت اوست اما این حسرت همیشگی را مطرح می‌کند که چرا غالبا داوران جشنواره فجر، به بازی‌های خوب بازیگران کمدی در فیلم‌های کمدی بها نمی‌دهند و تنها وقتی کم‌دین‌ها را می‌بینند که نقشی جدی را تجربه می‌کنند و گاه همین تغییر مسیر را برای تأیید و تشویق کافی می‌دانند.

بهرام رادان



رادان تا مدت‌ها همان جوان خوش‌تیپ و عاشق پیشه شورعشق- اولین حضورش در سینما- را در فیلم‌های مختلف به شکل‌های مختلف تکرار می‌کرد. تماشاگران نوجوان و جوان هم دوست داشتند همان بازیگر چشم‌رنگی را در قصه‌های عاشقانه ببینند. اما رادان تقریبا در همان اولین سال‌های حضورش در سینما، با بازی در نقش و فیلمی متفاوت خیلی‌ها را غافلگیر کرد؛ بازی او به نقش جوانی جانباز به نام اسماعیل کجوری در گیلانه، درحالی که نشانی از حسن جمالش نداشت، حتی با تأیید برخی منتقدان و تماشاگران سختگیر سینما هم همراه شد.

اندیشه صفا، ایران خودکما

Kian گیان

ماژیک‌های وایت برد و پر مینت
و انواع خودکارهای گیان
با بالاترین کیفیت، رفیق محصولات وارداتی
صادرات به بازارهای بین‌المللی

www.safakian.com
info@safakian.com
دفتر مرکزی:
۰۲۱-۸۸۹۵۰۰۷۵-۷
۰۲۱-۵۵۵۹۶۵۳۳

ساخت ایران
MADE IN IRAN